نحوه مواجهه با سوفیست

در رابطه ی یک سوفسطایی با رئالیست ِواقعگرا، شما می‌گویید این کتاب، واقعیّتی دارد؛آن را دارم می‌بینم، سوفیست چه می‌گوید؟ می‌گوید خیال است. شما مدرک هستی؛ این هم یک صورت مبصَر است. ما بر اساس مشترکات، جلو می‌رویم. می‌رسیم آن بزنگاهی که می‌خواهیم برای او بگوییم حال به وجدان خودت مطمئن شو، ببین که یک محسوس منفصلی داری کما اینکه محسوس متّصل داشتی .یعنی ما یک جایی می‌رسیم که یک دفعه آن امر منفصل از متصل برای او جدا شود؛ راه دارد یا ندارد؟ راه دارد. تعبیری در اصول فلسفه، علامه طباطبایی فرمودند، گفتند میز رئالیسم از ایده‌آلیسم و سوفیسم چیست؟ فرمودند گرایش‌های ایده‌آلیستی و سوفیستی می‌گوید ما جز علم ندارم، و جز به سوی علم نمی‌رویم. اما ایده‌آلیست می‌گوید ما معلوم داریم، اما جز علم به دست نمی‌آوریم[1]. الآن هم ما این را می‌خواهیم به طرف مقابل نشان بدهیم که یک معلوم منفصل داریم؛ هر چند وقتی سراغ آن می‌رویم، جز علم به دست نمی‌آوریم.[2]

---

[1] بررسی مسئله علم و معلوم را از لحاظ اهمیت در جرگه مسائل درجه يك فلسفه بايد قرارداد، زيرا تا ما هستيم سر و كارى به غير علم نداريم.

البته اين سخن را نبايد از ما دليل سفسطه گرفت، زيرا سوفسطى مى‌گويد ما پيوسته علم مى‌خواهيم و علم به دست ما مى‌آيد و ما مى‌گوييم ما پيوسته معلوم مى‌خواهيم و علم به دست ما مى‌آيد و فرق ميان اين دو سخن بسيار است.(اصول فلسفه و روش رئالیسم،مقاله چهارم،ج ۱ ،ص ۱۶۵)

[2] البته استاد بر این مطلب نقدی دارند که برای بیان تفصیلی آن به فایل اعتبارایات(html)جلسه ۳۲-۳۴ مراجعه فرمایید.

بازبینی #1
ایجاد شده 10 آوریل 2025 14:46:31 توسط ... .
به روزرسانی شده 10 آوریل 2025 14:46:50 توسط ... .